عطیه ضرابی
تهران



50 like

او ولی با خدا قراری داشت

صبحی از روز ماه آبان بود
دست در دست تیر و نارنجک
یا علی گفت و یا علی گویان
رفت سمت دشمنان، بی شک

نوجوان بود و نوجوانی کرد
غیرتش را به رخ کشیده حسین!
افتخارم شده که روزِ مرا
ثبت کرده بر این جریده حسین...

سیزده سالگی که سنی نیست
سن بازی و درس و مدرسه‌ها...
او ولی با خدا قراری داشت
فارغ از ماجرای وسوسه‌ها

دوست دارم شبیه او باشم
مثل فهمیده‌های این دوران
شهدای جوان کشور ما
نوجوانان خطه ایران!

مرزبان و معلم و طلبه
دانش‌آموز و دختران دلیر
جنسیت که نمی‌شناسد عشق
کوچك و نوجوان، بزرگ و پیر

شعر، پایگاه امنِ من است
نوجوانه برای من جان بود
جان ما هست و قصه ما هم
صبحی از روز ماه آبان بود.

بهاره میرغنی
تهران



50 like

ماشین فارغ‌التحصیلان افسرده

بهتر است قبل از هرچیز، کمی خودم را معرفی کنم. وی در بیمارستانی به دنیا آمد و کم‌کم بزرگ‌تر و مجبور شد به مدرسه برود. همه اطرافیان معتقد بودند نامبرده از آن بچه‌هایی است که بیشتر از سن خودش می‌فهمد. درست هم می‌گفتند زیرا در همان کلاس اول دبستان فهمید اگر نیمکت آخر کلاس را به انضباط ۲۰ ترجیح دهد بهتر می‌تواند با این ماشین پرورش فارغ‌التحصیلان افسرده کنار بیاید. مزه‌پرانی‌های گاه‌وبیگاهش علیه معلمان و پرسنل مدرسه باعث شد سر شوخی‌اش با همه باز شود و محبوبیت پیدا کند. نامبرده آن‌قدر محبوب که چندباری از او امضا هم گرفتند؛ مثلا امضا گرفتند آخرین باری باشد اذهان عمومی را بر علیه معلمان تحریک می‌کنی و رهبری فعالیت‌های ضدامنیتی (تقلب در امتحانات) را به عهده می‌گیری. وی از آنجا که بسیار از خویش مطمئن بود و این وصله‌ها به او نمی‌چسبید، در دفاع از خود چنین اظهار کرد: «حضور مراقب در جلسه برگزاری امتحانات نه تنها توهین به شعور و شخصیت دانش‌آموز و نشان بی‌اعتمادی به اوست، بلکه سلب آزادی نیز تلقی می‌شود و این به معنی نفی و نقض حقوق بشر است.» البته کسی برای این استدلال و فلسفه تره هم خرد نکرد و مثل همگان استعدادهایش نادیده گرفته شد. بر خلاف انتظار خودش، سوار بر این ماشین پرورش فارغ‌التحصیلان افسرده شد و در این راه به بیان و آشکارسازی حق و حقوق دانش‌آموزان پرداخت که باز هم از جانب مقامات عالی‌رتبه مدرسه بازخورد چندان چشمگیری نداشت و در نهایت محکوم شد به درس خواندن و درس خواندن و درس خواندن بدون ذره‌ای اعتراض. سخنان گوهربار و تامل برانگیزم را در راستای گرفتن انگشت اتهام به سوی ماشین پرورش فارغ‌التحصیلان افسرده با این جمله معروف به پایان می‌رسانم: «یک ماهی را تصور کن درون یک لیوان آب، فقط به اندازه هیکلش زنده است، ولی زندگی نمی‌کند».

سواد رسانه‌ای

تسخیر یک تاریخ



عماد مختاری
مدال‌آور المپیاد سواد رسانه‌ای / دوره چهارم

سال‌هاست به بازنمایی‌های دروغین هالیوود از واقعیت تاریخ ایران عادت کرده‌ایم. رسانه‌ها امروزه تلاش می‌کنند آنچه را می‌خواهند بازنمایی کنند، نه آنچه حقیقت دارد. یک بار تاریخ کهن ایران را دستمایه بازی رسانه‌ای خودشان قرار می‌دهند و بار دیگر انقلاب اسلامی و حال و هوای سال‌های ۵۷ را.

به بهانه ۱۳ آبان و روز دانش‌آموز، سراغ فیلم آرگو رفته‌ایم. این فیلم که جایزه اسکار ۲۰۱۳ را دریافت کرده، بازنمایی جالبی از اتفاقات و حال و هوای آن روزها دارد. این فیلم داستان ماموریت سازمان سیا برای نجات شش جاسوس آمریکایی است که در جریان اقدام شجاعانه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سفارتخانه کانادا در تهران به دام افتاده‌اند. این حرکت مردمی، مقابله‌ای روشن با استکبار جهانی و نشان‌دهنده تحمیل یک شکست بزرگ می‌شود. این فیلم به شیوه اغراق‌آمیزی سعی می‌کند از فضاحت این اتفاق بکاهد. از خشمگین نشان دادن مردم ایران، تا حال و هوای افسرده‌ای که بر مردم حاکم است و بدرفتاری و خشونت نیروهای نظامی با مردم. تکنیک جالبی که این فیلم برای باورپذیرتر شدن خودش استفاده می‌کند، این است که در اوایل فیلم روایتی کوتاه از اتفاقات قبل از سال ۵۷ و محمدرضا پهلوی نشان می‌دهد به واقعیت نزدیک است و باعث جذب مخاطب و همراه شدنش با سیر داستانی فیلم می‌شود. اگر در یک کلام بخواهیم فیلم را تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم هالیوود با این کار شکست را تبدیل به یک پیروزی کرده، آن هم با کلیدواژه رسانه!

حال آن که برخلاف آمریکا، ایران با این که مدارک و اطلاعات کافی برای روایت این داستان و تبدیل کردن آن به روایتی قهرمانانه دارد، باز هم مثل همیشه در حوزه رسانه ضعیف عمل کرده و محتوای مناسبی از روایت تسخیر سفارت آمریکا در دسترس نیست.



و باز هم این سوال به وجود می‌آید آیا وقت آن نیست که با تولید محتوای فاخر و روایت کردن داستان‌های قهرمانانه تاریخ کشورمان، به سمت الگوسازی و اعتلای فرهنگی کشورمان پیش برویم؟

برگ سبز خودرو پراید، مدل ۱۳۸۲، رنگ سفیدشیری- روغنی، به شماره شاسی S1412282107739، به شماره موتور 00543337 به شناسه IRPC82IV3OK107739 و به‌شماره پلاک ۸۹ص ۷۷۳-۷۸ به‌نام فاطمه پیرهادی‌ده‌علیخانی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

نظرسنجی روزنامه جام جم

همراه عزیز، لطفا با ارائه بازخورد درباره روزنامه جام جم، به ما در بهبود خدمات آتی کمک کنید. کافی است با اسکن QR Code روبه‌رو یا مراجعه به نشانی jamejamdaily.ir وارد سامانه نظرسنجی شوید و نظرات خود را برای ما ارسال کنید.

موسسه جام جم